

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

## مدیریت یکپارچه؛ راهکار توسعه پایدار شهر تهران

دکتر محمدتقی رضویان، زهرا سمندی، مریم صالحی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی

M-razavian@sbu.ac.ir

Zsshab22@yahoo.com

Maryam.salehi4@gmail.com

شهر سیستمی پویا است که عملکرد ساختارهای آن پیوسته با هم در تعامل است. مدیریت چنین سیستمی و رسیدن به پایداری مستلزم هماهنگی و یکپارچگی است. مدیریت یکپارچه شهری مفهومی است که در برابر چندگانگی مراجع و عناصر مداخله گر در حوزه مدیریت شهری شکل گرفته است و با تداعی مفهوم حکومت محلی در پی ساماندهی حوزه مدیریت شهری در چارچوب سیستمی مشخص و جامع و با عناصری به هم پیوسته و یکپارچه می باشد. تجربه بسیاری از کشورها نیز گویای این واقعیت است که دستیابی به توسعه پایدار شهری مستلزم سیستم مدیریت شهری یکپارچه در سطوح مختلف سیاستگذاری، برنامه ریزی، تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجراست. در نظام مدیریت شهری تهران سازمان ها و دستگاههای متعددی با وظایف خاص خود عهده دار بخشی از وظایف مدیریت شهری هستند. اینگونه مدیریت منجر به شکل گیری اجزای جدا و غالبا متضاد در شهر شده و به دلیل عدم هماهنگی میان این بخش ها مشکلاتی از جمله کاهش کارایی، موازی کاریها، دوباره کاریها، ایجاد تشکیلات عریض و طویل اداری و غیره رخ داده است. در نتیجه برای یکپارچگی این سازمان های مختلف، هماهنگی عملکرد آن ها و به عبارتی یکپارچگی مدیریت شهری تهران به ایجاد سطح حکومت محلی نیاز است.

کلمات کلیدی: مدیریت شهری، مدیریت یکپارچه شهری، حکومت محلی، توسعه پایدار شهری

## **Integrated Urban Management; the solution for sustainable development of Tehran**

Dr. Mohammad T. Razavian (Associate Professor of Geography, Shahid Beheshti University) M-razavian@sbu.ac.ir

Zahra Samandi (M.Sc. Student of Geography & Rural Planning, Shahid Beheshti University) Zsshah22@yahoo.com

Maryam Salehi (M.Sc. Student of Geography & Rural Planning, Shahid Beheshti University) Maryam.salehi4@gmail.com

City is a dynamic system in which structural elements are in continuous correlation. Managing this system with the goal of achieving sustainable development requires coordination and integration. Urban Integrated Management (UIM) is a new concept replacing various interfering elements in urban management. It emphasizes on local government, integrating all parties involved in the management of city, to be reorganized under a specified, comprehensive system. Experiences of many developed countries indicate that sustainable development is accessible only through integration in management at all levels; planning, decision making and implementation. In Tehran, frequent agencies are responsible for different activities of municipality. This has resulted in formation of separate and sometimes conflicting, sectors in the city. Lack of coordination among these sectors result in reduced out-put, parallel working, multiple tasking, bureaucracy and other problems. The suggested solution to these problems is integration of responsibilities or, in another word, creation of local government as a basis for UIM.

**Key words:** urban management, UIM, local government, urban sustainable development

## ۱- مقدمه :

گسترش شهرنشینی و به دنبال آن مشکلات خاص زندگی شهری بیش از پیش توجه به راهبردها و چاره‌های سودمند را برای بهینه‌سازی زندگی شهروندان ضروری ساخته است. در میان موضوعاتی همچون محیط زیست شهری، حمل و نقل شهری، ایمنی شهری و برنامه ریزی شهری، یکی از عوامل بسیار مهمی که تاثیر فزاینده و تعیین کننده‌ای بر عوامل سازنده شهری دارد، مدیریت شهری است که سایر اجزا و عناصر سیستم شهری به نحوی تحت تاثیر آن قرار می‌گیرند. در واقع اهمیت مدیریت شهری به اندازه‌ای است که پاسخ بسیاری از ناپایداری‌های شهری را در ارتقاء کیفیت شیوه مدیریت شهری جستجو می‌کنند؛ به طوری که بسیاری از گارشناسان و متخصصان و نیز مدیران شهری بر این باورند که راه پایداری شهری از تغییر رویکرد مدیریت شهری می‌گذرد (محمدی، ۱۳۸۷، ۳۳ - ۳۴).

سیستم مدیریت شهری به لحاظ وظایف عملی خود، موظف به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و عمران شهری است. مدیریت شهری در قالب نظام برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی و حقوقی حاکم بر کشور، اقدام به تهیه برنامه‌های توسعه شهری برای مناطق شهری می‌کند و سپس آن برنامه‌ها را در چارچوب مجموعه‌ای یکپارچه از نظام اداری و اجرایی به پروژه‌های عملیاتی تبدیل کرده و به مرحله اجرا می‌رساند (رضویان، ۱۳۸۹: ۵۰ - ۵۱).

بدون تردید حوزه مدیریت، یکی از مهمترین نقش‌ها را در موفقیت و شکست هر سازمانی در دست یابی به اهداف و انجام وظایف هر سازمان و سیستمی به عهده دارد و هر فعالیتی بدون وجود مدیریت سازمان یافته‌ای که اهداف و ابزارهای رسیدن به آنها را مشخص کند و فعالیت‌ها را هماهنگ سازد، از هم می‌پاشد و به بی‌نظمی می‌گراید (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۴). در واقع حتی در صورت وجود منابع، سرمایه و فرصت‌های مناسب؛ بدون وجود یک مدیریت کارآمد و پویا هر گونه فعالیت و اقدامی با موفقیت همراه نخواهد بود (تولایی، ۱۳۸۹: ۴۷).

توجه سازمان‌های جهانی به مسئله مدیریت شهری در مطالعات توسعه در طی چند دهه اخیر به آن جایگاه ویژه‌ای داده است. این رویکرد به ویژه با استقرار برنامه مدیریت شهری<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۶ و با همکاری بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل<sup>۲</sup> و مرکز سکونت گاههای انسانی سازمان ملل<sup>۳</sup> حمایت‌های رسمی و بین

<sup>۱</sup> - UMP

<sup>۲</sup> - UNDP

<sup>۳</sup> - UNCHS

نویسنده مسئول : مریم صالحی

شماره تماس : ۰۹۳۹۶۷۴۰۳۹۲

پست الکترونیک ( ایمیل ) : maryam.salehi4@gmail.com

المللی را به خود جلب کرده است (Davey, 1993). براساس آخرین گزارش برنامه مدیریت شهری، این برنامه بزرگترین کمک فنی چند سازمانی در حوزه توسعه شهری است.

مشکلی که امروزه در پیش روی برنامه ریزان شهری قرار دارد، چگونگی اعمال سیاست ها و برنامه های پایدار شهری و ترسیم جلوه های پایداری در شهرهاست. نیل به چنین شرایطی، نیازمند جهت دادن به هدف ها و برنامه های اجرایی، اصلاح وضعیت ساختارها و مدیریت های مرتبط در اداره امور شهرهاست. به تعبیر دیگر، سطح قابل قبول و بالای رشد اقتصادی و اشتغال، پیشرفت اجتماعی و حفاظت از محیط شهری جنبه های دیگر پایداری شهری را تشکیل می دهد.

اگر چه امروزه روش ها و الگوهای شناخته شده و علمی برای اداره امور شهرها وجود دارد و می تواند در مدیریت شهری کلان شهر مورد استفاده قرار گیرد، اما شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی کشورها، موانع زیادی را در راه کاربرد این روش ها ایجاد می کنند. برخی از این موانع به مرحله توسعه یافتگی، ساختار اقتصاد ملی و چگونگی فرایند صنعتی شدن کشورها مربوط است. شاید بتوان گفت که گروهی از کشورهای کم توسعه یافته در این زمینه تشابه زیادی باهم دارند. واقعیت اینست که در ایران، در خلال حدود چهار دهه گذشته، سرنوشت پایتخت و شهرهای بزرگ دیگر کشور وابستگی شدیدی به عوامل ساختاری مذکور پیدا کرده که به نوبه خود ایجاد تحول و بهبود مدیریت شهری را در آنها پیچیده می کند (طرح تدوین و تبیین برنامه استراتژیک و ترسیم الگوی ساختار سازمانی شهرداری کشور، ۱۳۸۴: ۹۶).

## ۲ - مبانی نظری :

مدیریت شهری را می توان سازمانی فراگیر و در بر گیرنده اجزای رسمی و غیر رسمی موثر و کارآمدی دانست که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی حیات شهر تاثیر دارند و با ماهیت چند عملکردی در حوزه سیاست گذاری برنامه ریزی و اجرا بر آنها هستند تا به اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر پردازد و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق می گردانند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵)

هر چند رهیافت سنتی و متداول در مدیریت شهری بر مبنای تمرکزگرایی در سطح ملی و تمرکززدایی در سطح محلی، برنامه ریزی یکپارچه در سطح کلان ملی، برنامه ریزی بخشی میان مدت، نظام بسته و انحصار طلبانه دولتی، اقدامات واکنشی و تنظیم کننده وضع موجود با استفاده از راه حل های فن سالارانه استوار بوده اما در مقابل، رهیافت نوین اداره شهرها بر تمرکززدایی در سطح ملی و تمرکزگرایی در سطح محلی، نظام باز و کثرت طلبی در جامعه مدنی، اقدامات ابتکاری و تسهیل کننده وضع مطلوب، عمل اجتماعی و مشارکت فراگیر استوار است (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۲).

آنچه که امروزه در نظام مدیریت شهری اهمیت بسیار دارد، توانایی این نظام در انعطاف پذیری درونی است. در واقع در شرایط کنونی، با توجه به متغیرهای بسیار و محیط ناهمگن و متنوعی که نظام مدیریت شهری در آن قرار دارد، این نظام باید به روش باز عمل کند و ساختارهای خشک و غیر قابل انعطاف را از خود دور کند؛ زیرا این نظام باید بتواند خود را با محیط اطرافش سازگار کند و ضمن حفظ کیفیت خود، به تبادل پویا با آن پردازد (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۳۰ - ۳۱).

اجزای اساسی تشکیل دهنده سیستم مدیریت شهری را می توان به شرح زیر تعیین کرد:

- داده های سیستم مدیریت شهری، خواسته های دولت و شهروندان هستند و ستانده های آن که در طی فرآیندی از برنامه ریزی ها، طرح ها به دست می آیند، توسعه کمیت و کیفیت زندگی شهری است.
- هدف کلی سیستم مدیریت شهری تامین و ایجاد زمینه و محیط مناسب برای زندگی راحت، امن و کارآمد شهروندان به تناسب ویژگی های اقتصادی و اجتماعی است. رسیدن به این هدف، بخشی از حرکت به سمت توسعه پایدار است که مطمئناً با تمرکز زدایی از ساختارهای دولتی، بالا بردن دانش درون سازمانی و تغییر الگوهای سنتی مدیریت، استفاده از تکنولوژی پیشرفته و تقویت هماهنگی و تعامل سازمانها و نهادهای درگیر مدیریت شهری و البته با مشارکت شهروندی همراه با آموزش و ترویج فرهنگ آن قابل دسترسی خواهد بود.
- سیستم مدیریت شهری مسئول اداره و هدایت تمام فضای جغرافیایی و عملکردهای شهری است و به این لحاظ، باید تمام عناصر و سازمان های ذیربط و تمام محدوده شهر را تحت نظارت و کنترل داشته باشد (طرح مجموعه شهری تهران، ۱۳۷۵: ۵ - ۶).

مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است که هدف آن تقویت سازمان های دولتی و غیردولتی (NGO) برای شناسایی برنامه ها و سیاست های گوناگون و پیاده سازی آنها با نتایج بهینه است. اندیشه اولیه کارآمدی مدیریت شهری در مولفه هایی چون در خدمت گرفتن سرمایه بیشتر، صنعتی شدن، نیروی کار بیشتر و به طور کلی در رشد کمی دیده می شد، ولی تجربه های جهانی و به خصوص مطالعات بانک جهانی نشان داده است که این رویکردها نتوانسته بهبود فضای زیست، به خصوص در کلانشهرها را در پی داشته باشد و هر روز موانع زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی و به طور کلی فضایی این رویکردها نمایان تر می شود. نهایت این روند تحول، به دیدگاه و تئوری های توسعه پایدار، شهر انسان گرا و حکمروایی خوب شهری ختم شده است که امید می رود رهیافت ها و رویکردهای نوین مذکور، به ویژه توسعه پایدار و حکمروایی خوب شهری به عنوان اثربخش ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت، نظام پیچیده و چند سطحی امروز مدیریت شهرها را بهبود بخشد (ترابی، ۱۳۸۳: ۵)

امروزه تاکید بر جامعیت و فراگیری سیستم مدیریت شهری را می توان فصل مشترک و عام تعاریف ارائه شده در رویکردهای جدید استنتاج و معرفی کرد. در این مفهوم مدیریت شهری باید تمام سیستم شهری اعم از فضای کالبدی و عملکردی آن را تحت پوشش قرار دهد. مفهوم مدیریت شهری چنان گسترده و پیچیده است که به هیچ وجه نمی توان شهرداری با وظایف کنونی اش را معادل مدیریت شهری دانست. مدیریت شهری مترادف با همه بازیگران عرصه حیات شهری است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۵). لازمه مدیریت شهری برقراری نظام حکمروایی خوب در شهر است. بر این اساس، مدیریت شهر در ارتباط با مفهوم حکمروایی پیوند می یابد که مهمترین ویژگی های آن عبارتند از:

- ارتقای اقتدار شهروندی
  - افزایش همکاری و اقدام جمعی برای توسعه انسانی
  - ایجاد شرایطی برابر برای دسترسی شهروندان به فرصت های توسعه و دستاوردهای توسعه
  - پایداری و برآوردن نیازهای نسل کنونی با توجه و در نظر داشتن نیازهای نسل آتی
  - برقراری ایمنی و امنیت در زندگی روزانه خانوارها (اسدی، ۱۳۸۳: ۳).
- در مجموع، وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظام های اجتماعی و سیاسی گوناگون) به شرح زیر است:

برنامه ریزی شهری، وظایف عمرانی، وظایف خدماتی، تامین بهداشت شهری، خدمات اجتماعی، وظایف ایمنی، وظایف فرهنگی، ارتقای محیط زیست شهری و وظایف نظارتی (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۳۶).

جدول شماره ۱ - چالش ها و فرصت های فراروی مدیران شهری

فرصت ها	چالش ها
گذار از تامین کننده مستقیم خدمات، به تنظیم کننده، محرک و توانمندساز جامعه	شکل گیری نقش های جدید برای حکومت ها
ایجاد امکان برای مداخله حکومت های محلی و نهاد های تازه تاسیس در نتیجه تمرکز زدایی	طرح چارچوب های جدید قانونی برای تمرکز زدایی
استفاده از تکنولوژی های بهبود یافته ارتباطات	در دسترس قرار گرفتن تکنولوژی های جدید
جامعه مدنی به عنوان بخشی از جامعه پویا در آمده	نهادهای جدید در عرصه شهری در حال ظهور است
اهمیت ریشه کنی فقر و صورت بندی سیاست های اقتصادی و اجتماعی	اولویت های جدیدی مطرح شده که شایسته توجه هستند
استفاده از تنوع به عنوان دارایی برای توسعه شهری	اهمیت یافتن تنوع فرهنگی
تربیت افراد برای توانایی یافتن به کار در قالب یک چارچوب یکپارچه در برابر مسائل شهری	اهمیت یافتن ظرفیت سازی برای مدیریت شهری

پیشنه سازی تعامل مثبت بین شهر و نواحی روستایی اطراف	اهمیت یافتن توجه به رابطه شهر و پسرکانه آن
ما می توانیم که از تجربه همه کشوره یاد بگیریم	تفاوت زیاد بین شهرهای اروپایی و شهرهای کشورهای در حال توسعه

(Van Dijk, 2006, 16)

انواع مدل های مدیریت شهری :

انتخاب نوع مدل مدیریت شهری بازتابنده ی نگرش حاکم بر تنظیم روابط شورا و شهرداری است و مهم تر از همه، بیانگر میزان مشارکت و قدرت اجرایی است. یکی از مباحث مهم در تعیین مدل مدیریتی برتر، تعیین چگونگی اداره ی شهر و قرارگیری قدرت در دست مدیران شهری است. از سوی دیگر، مدل اداره ی شهر رابطه ی نزدیکی با حل یا ایجاد مسائل شهری دارد. مدل های مدیریت شهری با توجه به قدرتی که به اداره کنندگان امور شهری میدهند، نوع برخورد و تصمیم گیری در مسائل شهری را در آن چارچوب فراهم می کنند و به دلیل تاثیر گذاری زیاد این نوع مدل بر شهر و در اختیار داشتن ابزار تصمیم سازی و تصمیم گیری، عاملی مهم در حل یا به وجود آمدن مسائل شهری هستند. رابطه میان این مدل های مدیریت شهری و مسائل شهری، رابطه ای علت و معلولی است. بنابراین می توان به این نتیجه رسید که از عملکرد مدل مدیریتی شهری است که مسائل شهری به وجود می آید و با ارائه ی راهبرد های این مدل است که مسائل شهری حل شده و به صورت مطلوب در می آید (نظریان و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

در میان دسته بندی های مختلفی که در رابطه با مدل مدیریت شهری ارائه شده است می توان به چهارگونه ساختار اداری و مدل اصلی اشاره کرد که با توجه به تقسیم مسئولیتها به شرح ذیل عبارتند از :

۱- ساختار شورا - شهردار ضعیف

۲- ساختار شورا - شهردار قوی

۳- ساختار کمیسیونی

۴- سیستم مدیر - شورا

ساختار شورا - شهردار ضعیف: در این ساختار، شهردار و شورا همانند مقامات محلی گماشته می شوند. در این مدل، شورا واجد بخش قابل ملاحظه ای از قدرت اجرایی است که از طریق کمیته های زیرمجموعه خود اعمال می کند. شهردار دارای قدرت و اختیار اجرایی اندکی است؛ اما تعدادی از کارکردهای قضایی و قانونگذاری را به عهده دارد. بسیاری از مسئولان بخش شهرداری در این گونه شهرها، به طور مستقیم انتخاب می شوند. در گذشته نتیجه چنین نظام و حکومت شهری، فقدان رهبری سازمان یافته بود؛ زیرا قدرت و مسئولیت در این شکل از حکومت بسیار پراکنده بود.



ساختار شورا - شهردار قوی: در این ساختار، شهردار و شورا به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می شوند. در این مدل شهردار، بازیگری سیاسی است که وظایف اجرایی نیز دارد. این الگو در حقیقت بیانگر جایگاهی مشابه ریاست جمهوری برای شهردار در سطح یک شهر است.

سیستم کمیسیونی: در این سیستم امور اجرایی از سوی کمیته های دائمی ای انجام می پذیرد که توسط شورا ایجاد می شوند. شورا دورنما و قلمرو اختیارات این کمیته ها را تعیین می کند. این کمیته هاتصمیم های شورا را آماده و ضمن نظارت بر اجرای آنها، مدیریت امور مرتبط با قلمرو اختیارات خود را در چارچوب بودجه مصوب پیگیری می کنند

سیستم مدیر - شورا: در این نوع مدل، مردم محل افرادی را به نام شورا، برای تدوین احکام و مقررات محلی و نظارت بر امور انتخاب می کنند، که این شورا افزون بر اجرای وظایف قوه مقننه، انتخاب شخصی واجد شرایط را برای امور اجرایی حکومت محلی بر عهده دارد. این شکل حکومت محلی به شورا اختیار کامل می دهد تا هر فردی را، هر چند ساکن آن محل نباشد (در صورت احراز شایستگی) به مدیریت شهر برگزیند که این فرد را "مدیر شهر" می گویند. مدیر شهر می تواند مقامات مدیریتی و کارکنان شهرداری را با نظر و تشخیص خود انتخاب کند (همان منبع، ۱۳۹۱: ۱۱۴ - ۱۱۷).

از بررسی مدل مدیریت شهری در کلان شهر تهران چنین برداشت می شود که نوع مدل مدیریت شهری در ایران مدل "شورا-مدیر شهر" است. البته در هیچ یک از قوانین مربوطه به صراحت نامی از مدل مدیریتی برده نمی شود. در متون قانونی از شخصیتی به نام شهردار نام برده می شود و وظایف و اختیارات به او منتسب می شود، بدون توجه به این که سمت شهردار، جایگاهی انتخابی است. به گفته دیگر، آن دسته از افراد که از بیرون از شورا و بدون اخذ آرای مردم در سمت مسئولیت شهرداری قرار می گیرند، عنوان مدیر شهر (city management) را کسب می کنند، در حالی که اعطای مسئولیت رهبری شهر به شخصی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم (عضویت شورا) آرا و اعتماد شهروندان را جلب نکرده است، منطقی نیست. در مدل های "شورا - مدیر شهر" شخصیتی جداگانه به نام شهردار وجود دارد، اما حدود قدرت او متفلوت است. بنابراین انتظار رهبری سیاسی شهر از مدیر شهری منتصب، مشابه آنچه در مدل مدیریت شهری ایران مشاهده می شود، قابل طرح نیست (همان منبع، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

هدف کلان مدیریت شهری، ایجاد محیطی مناسب زندگی برای همه همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایدار سازی محیطی است. بدین منظور مدیریت شهری نوین به بسیج منابع جدید از طریق توانمند سازی اجتماعات محلی باری اداره خود و مذاکره و مشارکت بین بخش های خصوصی، عمومی و دولتی تاکید دارد و علاوه بر برنامه های کالبدی، برنامه های اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی را نیز لازم می داند (صرافی، ۱۳۷۹: ۸۱).

به دلایل مختلف، مدیریت شهری در شهرهای کشورهای در حال توسعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. از جمله این دلایل می توان به موارد زیر اشاره کرد :

- ویژگیها و شایستگیهای مدیران شهری به درستی طبقه بندی و تبیین نشده است
- نهاد های موجود، به ویژه در شهرهای بزرگ، با یکدیگر هماهنگی ندارند
- نقش بخشهای رسمی و غیر رسمی به درستی ترسیم نشده است و مدیران شهری اغلب به نقش بخشهای غیر رسمی در زمینه هایی همچون اشتغال و فقر زدایی کم توجه هستند
- مشارکت مردمی ضعیف است و شهروندان برای دخالت در امور شهری آموزش و آگاهی های لازم را کسب نکرده اند ( سعیدی، ۱۳۸۷ : ۷۰۹).

### ۳ - یافته های تحقیق :

#### ۱ - ۳ - وضعیت مدیریت شهری در ایران :

جدول شماره ۲ - سطوح مدیریت شهری در ایران

وزارت کشور	سطح کلان مدیریت شهری
وزارت راه و شهرسازی	
شورای عالی شهرسازی و معماری	
استانداری	سطح منطقه ای مدیریت شهری
شهرداری	سطح محلی مدیریت شهری
شورای اسلامی شهر	
فرمانداری	
شورای تامین شهرستان	

( سعیدینیا، ۱۳۸۳ : ۶۳ - ۷۰ )

نظر به اینکه در کشور ما و کشورهای دیگر که با روش سیستم حکومت متمرکز اداره می شوند، سازمان های محلی (شهرداری ها و سازمان های اداری در روستاها و بخش ها و شهرستان ها ) و همچنین سازمان های منطقه ای (استان) استقلال ندارند، همه ی آنها تابع حکومت مرکزی هستند و از طرف دولت مرکزی در امور آنها نظارت و مداخله می شود؛ بنابراین این نوع نهاد های اداری محلی و منطقه ای را نمی توان حکومت محلی یا منطقه ای دانست، بلکه باید آنها را سازمان های محلی یا منطقه ای نامید ( نظریان و رحیمی ، ۱۳۹۱ : ۱۱۹).

نگاهی به وضعیت مدیریت شهری در ایران نشان می دهد به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون زا بودن برنامه ها و طرح های شهری، اقتصاد رانتهی و مبتنی بر نفت، مدیریت شهری در سیطره دولت است و مدام از

مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و از روند شهرنشینی و مسائل حاصل از این شهرنشینی عقب مانده و در دیدگاهها و نگرشهای از بالا به پایین گرفتار گردیده است. نتایج یک سده مدیریت شهری نوین در ایران و به خصوص در کلانشهرها نشان می دهد ویژگی های اصلی زیر در مدیریت شهری ایران عموماً حاکم است:

- تکیه بر ساختارها و نهادهای متمرکز و غیر دموکراتیک و بی توجهی به نهادهای عمومی
- کسب درآمد ناپایدار و رانتی برای تامین خدمات شهری
- مدیریت و برنامه ریزی از بالا به پایین به جای مدیریت و برنامه ریزی از پایین به بالا
- کوتاهی عمر دوران مدیریت مدیران شهری
- بی برنامهگی و تاکید بر نگرش بخشی به جای نگرش سیستمی
- تکیه بر پروژه محوری به جای توسعه محوری، تاکید بر جنبه های رشد شهری به جای توسعه شهری و تاکید بر فرد محوری به جای برنامه محوری
- چند پارگی در مدیریت و تصمیم گیری
- عدم شفافیت و پاسخگویی، عدم حسابرسی و اطلاع رسانی ( تقوایی و تاجدار ، ۱۳۸۸ : ۴۷ ).

جدول شماره ۳ - مقایسه ویژگی های مدیریت شهری در ایران با کشورهای توسعه یافته

ویژگی های مدیریت شهری در ایران	ویژگی مدیریت شهری در کشورهای توسعه یافته
سیتم شهری برون گراست.	مشروعیت ، حاکمیت و اختیار سیستم از مردم است.
مدیریت جوابگوی مقامات بالاست.	مدیریت جوابگوی مردم هستند.
رشد سیستم و تغییرات ناگهانی و غیرقابل پیش بینی است.	رشد سیستم به صورت خودجوش و طبیعی
ارزش ها و گرایش های مدیریت متأثر از حکومت و بستر سیاسی است.	ارزش ها و گرایش های مختلف ، متأثر از هم گرایی اجتماعی است.
عدم وجود یک رابطه منظم و متقابل بین عناصر این سیستم.	یک رابطه ی متقابل بین کالبد شهر، مدیریت شهر و جامعه ی شهری وجود دارد.
مدیریت شهری چندان اختیار و استقلال ندارد	مدیریت شهری استقلال زیادی دارند
وظایف سیستم مدیریت شهری محدودیت دارند.	سیستم شهر از یک نظام مدیریت کامل بر تمام فعالیت های شهری برخوردار است (به استثنای فعالیت هایی که در ارتباط با امنیت شهر باشد).
مردم از پرداخت مالیات شانه خالی می کنند.	مردم داوطلبانه و بدون شانه خالی کردن مالیات خود را پرداخت می کنند.

( نظریان و رحیمی ، ۱۳۹۱ : ۱۱۹ )

## ۲ - ۳ - ضرورت مدیریت یکپارچه شهری و وضعیت آن در تهران :

شهرها و مناطق شهری، سیستم‌های کالبدی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیار پیچیده‌ای هستند که مدیریت و هدایت برنامه‌ریزی شده آنها با دشواری‌های بسیاری روبرو است. با توجه به چنین ویژگی شناخته شده‌ای، نظریه‌پردازان و کارگزاران برنامه‌ریزی و مدیریت برای دستیابی به کارایی و اثربخشی مورد انتظار در تحقق اهدافشان و پا به پای سیستم پیچیده موضوع خود یعنی شهر و منطقه، تلاش کرده‌اند سیستمی متناظر با همان پیچیدگی‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت آن ایجاد کنند تا از این طریق بتوانند برای هدایت توسعه یکپارچه و منسجم و نیز رفع مسائل بغرنج این پهنه جغرافیایی اقدام موثرتری نمایند. به این ترتیب مفاهیمی که اغلب با پسوندها یا پیشوندهایی چون یکپارچه یا یکپارچه سازی، منسجم و مانند اینها همراه می‌گردند گویای چنین تلاش‌هایی هستند (برک پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

شهر مجموعه‌ای سازمان یافته از عناصر و روابط معین است که یک سیستم اجتماعی پویا و باز تلقی می‌شود و عملکردی مشخص و هدفمند دارد. شهر به عنوان یک سیستم، از تعدادی سیستم‌های فرعی و باز تشکیل شده و از طرف دیگر، به عنوان جزئی از یک سیستم بزرگتر یا فراتر نیز عمل می‌کند. نقش مدیریت یکپارچه شهری عبارتست از شناخت قانونمندی این سیستم‌ها و هدایت و عملکرد آنها در جهت تعادل مطلوب. بنابراین نظام تصمیم‌گیری در هر شهر به عنوان یک سیستم باز برای خود اهداف، منابع و شیوه‌های اص اجرایی داراست و چنانچه هر یک از این عوامل به عللی به رکود کشیده شود، سیستم دچار اختلال گردیده و نمی‌تواند به عملکرد بهینه خود بپردازد و لذا ضروری است که همواره :

- دیدگاه سیستمی به نظام مدیریت شهری تسری داده شود.
- شرایط و محیط مورد نیاز برای فعالیت سیستم مدیریت شهری مهیا گردد.
- ارتباط درون سیستمی و برون سیستمی به گونه‌ای برقرار گردد که حداکثر بازدهی را برای اهداف سیستم ارائه دهد.

از دیدگاه نگرش سیستمی، مدیریت و برنامه‌ریزی برای یک شهر نمی‌تواند به طور مجرد و جدا از روابط آن با سایر نواحی و شهرهای مجاور انجام پذیرد. بنابراین مدیریت شهری مستلزم ایجاد یک نظام یکپارچه از سطوح مختلف است که نحوه پیوستگی و هماهنگی متقابل میان سیستم‌های فرا دست و فرودست را نشان می‌دهد و راههای ایجاد تعادل و توازن میان آنها را معلوم می‌کند. از نظر رویکرد سیستمی، مدیریت شهری به جامع‌نگری یعنی در نظر گرفتن کلیت و تمامیت شهر و ارتباطات اساسی آن نیاز دارد و به همین دلیل برای مدیریت یکپارچه شهری تمامی نهادهای مسئول شهری بایستی در ارتباط با هم به حل مسائل شهری بپردازند (مجبایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶-۸).

پس با توجه به این موضوع که شهر به مثابه سیستم یکپارچه ای است؛ باید مدیریت آن نیز یکپارچه باشد. چرا که در وهله اول شهرها دارای هویت واحد و یکپارچه اند، از سوی دیگر مدیریت واحد باعث یکپارچگی و انسجام مدیریت در شهر شده و سپس این یکپارچگی، صرفه جویی در هزینه های شهری را به دنبال دارد. توجه به این حقیقت که در حال حاضر هزینه های زیادی به دلیل عدم هماهنگی نهادها و دستگاه های مختلف در مورد فعالیت های مختلف به خصوص در سطح اجرایی صرف می شود و هر ارگان بر اساس برنامه و نیاز خود در شهر فعالیت می کند که ایجاد انسجام و یکپارچگی این ناهماهنگی را از بین برده و باعث کاهش هزینه ها می شود (حاجیانی و سیفایی، ۱۳۹۱: ۵-۸)

تعدد، تنوع و تکثر عناصر و ابعاد مختلف شهر و زندگی شهری از یک سو و عوامل تصمیم گیر و سیاست گذار در ساخت شهر و هدایت توسعه آن از سوی دیگر تهدید بالقوه بزرگی در برابر برنامه ریزی و مدیریت یکپارچه و منسجم این پدیده محسوب می شود. وجود ویژگی های فوق در شهر و عناصر هدایتگر توسعه آن در فقدان سازوکارهای هماهنگی بین بخشی و بین سازمانی برای تحقق نوعی وحدت و یکپارچگی به بروز مسئله ای می انجامد که به آن «تفرق و چندپارگی» اطلاق می شود (برک پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

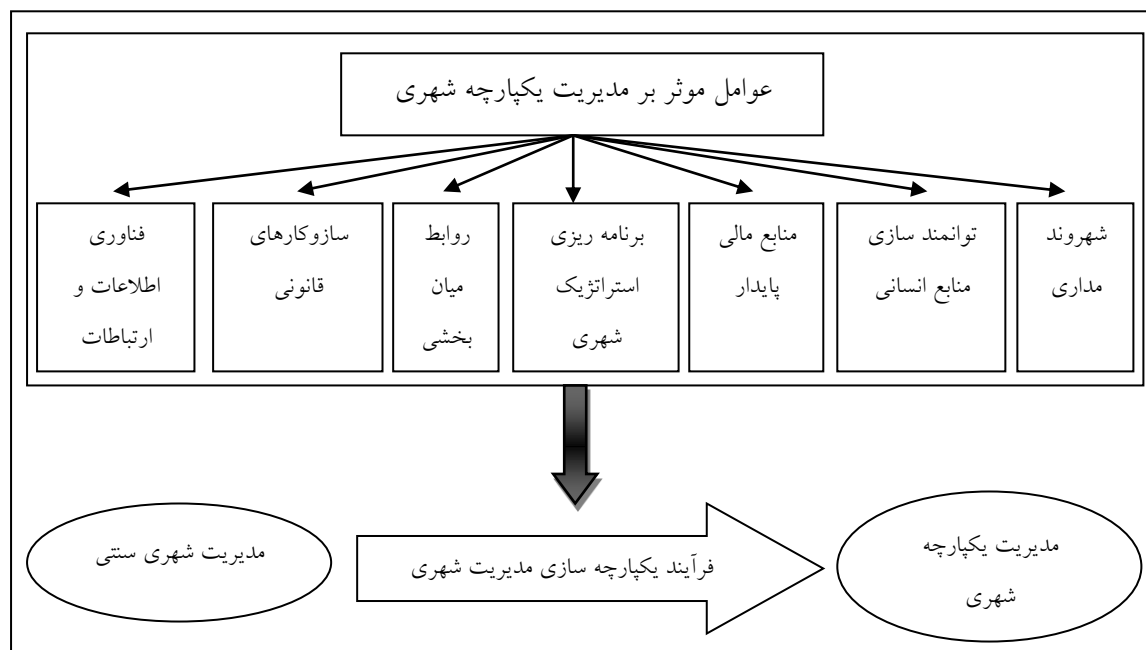
موضوع تفرق و چند پارگی در شهرها و مدیریت آنها و در برابر آنها جستجوی ابزارها و رویکردهایی برای چیرگی بر آنها و دست یابی به مدیریت یکپارچه شهری از مهمترین موضوعات مورد توجه سیاست گذاران و برنامه ریزان در تمامی سطوح بوده است؛ همان گونه که به نقل از جان فریدمن گفته شده یکپارچه سازی رویای مقدس برنامه ریزان محسوب می شود. تلاش های صورت گرفته در زمینه یکپارچگی را می توان در چند حوزه مجزا دنبال کرد: حوزه علوم مدیریتی به دنبال ارتباط یا هماهنگی و همکاری های بین سازمانی است، در حوزه علوم برنامه ریزی شاهد حضور برنامه ریزی استراتژیک فضایی به عنوان ابزار یکپارچه سازی هستیم، ایده حکمروایی که اکنون به عنوان مفهومی فراگیر وارد حوزه علوم برنامه ریزی و مدیریت عمومی گشته محصول حوزه علوم سیاسی و جامعه شناسی است (همان منبع، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

مفهوم یکپارچگی را باید در سه سطح تعریف کرد: سطح اول، یکپارچگی عملکردی است. یعنی تمام عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی به صورت یکپارچه مدیریت شود. سطح دوم، یکپارچگی قلمرو است. بدین معنا که تمام فضای شهری به صورت یکپارچه مدیریت شود. سطح سوم به لایه های مدیریتی اختصاص دارد. کلیه سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و اجرای آنها می بایست به صورت هماهنگ انجام گیرد. بدین ترتیب مدیریت یکپارچه باید تمام عملکردهای شهری را در کل قلمرو شهر و در سه لایه سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرایی در اختیار داشته باشد (کاظمیان، ۱۳۸۸: ۴۴).

باید این نکته را مورد توجه قرار داد که یکپارچه سازی مدیریت شهری به عنوان یک رویکرد دارای مدلی مشخص و واحد نیست که در همه جا به شکلی عملی بتوان از آن بهره گرفت؛ بلکه یکپارچه سازی یک رویکرد تدریجی است که اجرای آن با داشتن جنبه های بسیار متنوع و گاه متضاد، پروسه ای است که می توان در هر

کشور و در هر شهر به تناسب ساختارهای مختلف بنیادی آن جامعه شکل های متفاوتی از استقرار آن را به اجرا گذاشت. بنابراین بهترین شیوه مدیریت شهری، یکپارچه سازی ساختارها و فرهنگ های متفاوت در قالب نهادهای مناسب خواهد بود (دبیر، ۱۳۹۰)

شکل شماره ۱- عوامل موثر بر مدیریت یکپارچه شهری



(دبیر، ۱۳۹۰: ۱۶۷)

در یکپارچه سازی مدیریت منطقه کلانشهری نباید از تعبیر «مدیریت واحد» به معنای ایجاد فرا شهرداری ابر قدرتی صحبت نمود که گویا پدرسالاری مهربان می خواهد همچون کارفرمایی یگانه و غول پیکر، تمامی عرصه های شهر و شهروندی را قبضه کند. می بایست در یکپارچگی مدیریت کلان شهر تهران، نظامی هماهنگ کننده از سطح خرد (اجتماعات محلی / شورایاری ها) تا سطح میانه (مناطق / شهرداری و شورای اسلامی) و سپس تا سطح کلان به وجود آورد که از یک سو مسئولیت و اجرای امور در پایین ترین مقیاس عملی شود و از سوی دیگر اصل همبستگی و همیاری در مجموعه کلانشهری مد نظر باشد (صرافی، ۳۲)

تجربه بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان داده است که رسیدن به سطحی از توسعه اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی و در واقع رسیدن به توسعه پایدار شهری قبل از هر چیز مستلزم سیستم مدیریت شهری یکپارچه در سطوح مختلف سیاست گذاری، برنامه ریزی، تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجراست تا از این طریق بتواند اجزا و عناصر سازنده سیستم مدیریت شهری را در ارتباط با هم دیده و از هر گونه تک بعدی عمل کردن به دور باشد تا از این رهگذر قادر به پاسخگویی به نیازهای روزافزون شهرها و حل و فصل مشکلات و مسائل رو به رشد آنها باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۳)

عالی ترین هدف از یکپارچگی مدیریت شهر عبارتست از رسیدن به توسعه پایدار ( مجموعه ای از عدالت اجتماعی، زیست مندی اقتصادی و تعادل اکولوژیک ). از این رو راهبرد نیل به توسعه پایدار کلانشهری به ایجاد منظومه ای از واحدهای فضایی خود گردان با توسعه اجتماعات محلی در چارچوب نظام مدیریت یکپارچه شهری باز می گردد. این همان چیزی است که گمگشته برنامه ریزی شهری کنونی کشور است. یکپارچه شدن مدیریت شهری این امکان را می دهد که علاوه بر کالبد، کارکرد و محتوای اجتماعی و اقتصادی را نیز با یکدیگر در فرآیند برنامه ریزی توسعه مورد توجه قرار داد و مهمتر از این فرآیندها، فرآیند مشارکتی و در بر گیرنده کثرت شهروندان را به راه انداخت؛ فرآیندی که لازمه توسعه پایدار و شهروند مدار است ( صرافی، ۱۳۸۸ : ۳۳ ).

یکپارچگی در مدیریت برای شهر مزایا و فوایدی به شرح زیر دارد :

- انعطاف پذیری : یکی از نیازهای مدیریت یکپارچه شهری ، ایجاد ارتباط میان بخش های اداری و سازمانی است. ارتباط بهینه بین دستگاه های مسئول که دارای تعدد بسیارند ، نیازمند انعطاف پذیر بودن و حذف اقتدارگرایی سازمانی است.
- حذف موازی کاری : از جمله ویژگی های نظام مدیریتی ، انجام فعالیت های موازی و مشابه در نهادهای مختلف دولتی است. عامل اصلی این امر همانا استقلال گرایی و فقدان یکپارچگی و هماهنگی و سیاستگذاری هاست.
- کاهش بروکراسی : کاستن از تعدد دستگاه های مسئول و کاهش بروکراسی اداری که به پیشبرد سریع و مناسب مدیریت شهری در جهت وصول به اهداف کمک می کند ( شمعی ، ۱۳۸۹ : ۶۰ ).

به اعتقاد صاحب نظران یکی از اصلی ترین و مهم ترین راهها برای دست یابی به توسعه متوازن و پایدار شهری، اصلاح و ارتقای ساختار نظام مدیریت شهری می باشد. این در حالی است که امروزه مدیریت شهری و یا مدیریت یکپارچه شهری در کشور ما مفهوم ویژه ای ندارد که بر اساس آن جایگاه و نظام خاص اداره شهر را در ذهن تداعی کند. به عبارت دیگر در ایران، سامانه های مدیریتی شهرها از حداقل ساختارهای نظام مند و متناسب با نیازهای امروزی شهرها برخوردارند. نیازهای وسیع شهروندان در همه زمینه ها از یک سو و سیاست های متفاوت و گاه متضاد دستگاههای خدمات رسان شهری برای پاسخ گویی به این نیازها از سوی دیگر، فضایی را فراهم آورده است که به دلیل ناهماهنگی دستگاهها و چرخه معیوب اداره شهر، اثربخشی سیاست ها را به حداقل ممکن کاهش داده است ( ناظمی و همکاران، ۱۳۸۸ : ۲ )

مراحل استقرار مدیریت یکپارچه شهری :

می توان گفت سه اقدام و مرحله اساسی در دست یابی به ساختار مدیریت یکپارچه شهری وجود دارد. در مرحله اول لازم است که حرکت به سمت تمرکززدایی از قدرت سازمانهای دولتی و ساختارهای بوروکراتیک

و واگذاری اختیارات به حکومت های محلی و مدیریت شهری انجام گیرد. این کار در کشور ما می تواند از طریق ارتقای جایگاه مدیریت شهری در ساختار کلان اداره شهر آغاز شود. مرحله دوم مرحله ای است که طی آن حکمت های محلی بعد از اخذ اختیارات لازمه سازماندهی نهادها و سازمان های حوزه عملکرد خود می پردازند و با ایجاد هماهنگی های بین نهادی - سازمانی موجبات ایجاد تعاملات را در سطحی گسترده فراهم می آورند. به نظر می رسد در صورت انتخاب مستقیم شهردار از سوی مردم، شهردار از قدرت بیشتری برای پیشبرد برنامه های یکپارچگی شهری برخوردار خواهد بود. همچنین وجود کمیسیون های تخصصی زیر نظر شورای شهر با حضور نمایندگان از سازمانهای زیربسط شهری فضا و بستر سازمانی مناسبی برای سیاست گذاری و برنامه ریزی یکپارچه را فراهم می کند. در چنین ساختاری لازم نیست که ارگانهای دولتی استقلال عمل خود را از دست بدهند یا در اجرای برنامه های خود زیر نظر شهرداری و شورای شهر و وابسته به آنها عمل کنند؛ بلکه در چنین کمیسیون هایی برنامه های هر ارگان زیر نظر مدیریت شهری با طرح توسعه شهری هماهنگ می شوند. در گام آخر نیز تدوین استراتژی های پایدار، مقدمه استقرار مدیریت یکپارچه شهری است که زمینه های حرکت همسو و هماهنگ سازمان ها و نهادهای مختلف را فراهم می آورد (دبیر، ۱۳۹۰: ۸۳ - ۸۴).

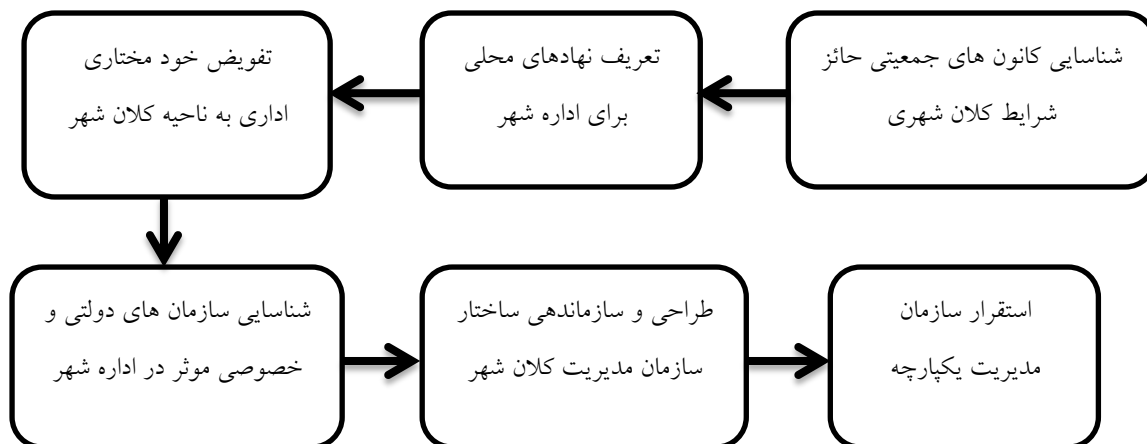
پس می توان گفت حکومت محلی اصلی ترین نیروی محرک برای یکپارچه سازی کلیه بازیگران در فرآیند مدیریت و ساخت شهر به شمار می رود. با یکپارچه سازی کلیه بازیگران از سوی یک نهاد می توان فرآیند توسعه شهر را هر چه بهتر و مطلوب تر مهار و هدایت کرد و این نیازمند یک راهبرد مدیریت شهری یکپارچه است که هم بر شهر و هم بر چالش های توسعه نهادی آن متمرکز باشد، ترغیب کننده بحث های بین بخشی و در پی آن مداخلات هماهنگ کننده باشد، رابطه مستقیم بین هماهنگی و اجرا را تضمین کند و در برگیرنده بخش غیر رسمی به عنوان قسمتی از چالش های ساختن شهر باشد (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

البته نباید تصور کرد یکپارچگی اکسیری است که به خودی خود، مشکلات کلانشهری غرق در مشکلات را چاره خواهد کرد؛ بلکه در صورت تحقق آن، تازه بستری فراهم می شود که با تغییر رویه شهرداری ها به سوی توسعه پایدار و شهروندمداری، می توان به راه حل های بدیع امیدوار بود (صرافی، ۱۳۸۸: ۳۲).

با توجه با شرایط عمومی محیط فعالیت شهری ایران و نیز استناد به زمینه و الزامات شکل گیری و استقرار موفقیت آمیز مدیریت یکپارچه شهری، مراحل تحقق آن با فرض فراهم بودن شرایط و با تکیه بر تحقیقات متروپلیس و تجربه های کلان شهرهای موفق جهان به صورت شکل زیر ارائه می شود.



شکل شماره ۲ - مراحل استقرار سازمان مدیریت یکپارچه کلانشهر



(ناظمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷)

مهم ترین تحول در عرصه مدیریت شهری تهران در طول یک دهه گذشته شکل گیری شورای اسلامی شهر تهران می باشد. نظام مدیریت شهری تهران پس از تشکیل شورای اسلامی به نهادی دموکراتیک، مشارکتی و اثربخش تبدیل شد تا از یک سو نیازهای متنوع شهروندان را در برنامه ریزی شهری لحاظ کرده و از سوی دیگر برنامه های مدیریت ملی را در چارچوب مدیریت محلی مد نظر قرار داده و حاصل آن را در قالب یک برنامه تلفیقی به اجرا گذارد. گرچه تاکنون شورای اسلامی شهر تهران فراز و نشیب های متعددی را طی کرده است، لیکن در نگاه کلی می توان به روند مثبت آن اذعان کرده و با تکیه بر شاخص های موجود اثر بخشی آن را تایید نمود.

شهر تهران برخوردار از طرح جامع راهبردی - ساختاری بوده، طرح های تفصیلی آن در مقیاس مناطق شهری تهیه و نهاد مسئول پایش و نظارت طرح های توسعه شهری حاصل از توافق وزارت مسکن و شهرسازی، شورای اسلامی شهر تهران و شهرداری تهران پدید آمده است. این رویداد را میتوان زمینه ای برای تحقق مدیریت یکپارچه شهری و مبنایی برای همکاری و تعامل در حل مسائل و مشکلات شهر تهران دانست (پورموسوی و رحیم زاده، ۱۳۸۷: ۲۱)

در باب مدیریت مناطق کلانشهری رویکردها و نظریات گوناگونی تبیین و به مرحله اجرا درآمده است. گروهی بر وجود یک مدیریت واحد و یکپارچه در پهنه کلانشهری تاکید کرده و گروهی دیگر بر تجزیه پهنه کلانشهری به حوزه های مدیریتی کوچکتر برای اعمال مدیریت و کنترل بیشتر اصرار ورزیده اند. اما با این حال بیش از یک دهه است که از طرح مفهوم «مدیریت یکپارچه کلانشهر تهران» در ایران گذشته و تقریباً همگان از مزایا و آثار مثبت آن آگاه هستند. اما با این حال تفرق سیاسی و عملکردی موجود در عرصه مدیریتی این مجموعه شهری ۱۳ میلیونی همچنان ادامه داشته و موجب ناکارآمدی مدیریت این پهنه کلانشهری شده است (براتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹)

به طور کلی موانع عمده ساختاری مدیریت شهر تهران، علی الخصوص در رابطه با نگرش سیستمی و اعمال مدیریت یکپارچه را می توان در موارد زیر بیان نمود :

- متمرکز، بخشی و از بالا به پایین بودن
- گسترده و دیوان سالارانه بودن
- غیر مشارکتی بودن
- فاقد انطباق سلسله مراتب ساختاری مدیریتی یا سازمان فضایی شهر
- عدم انتظام ساختاری از حیث ارتباط لازم سطوح ساختار سازمانی
- خلا برخی عناصر ساختاری مصوب در ساختار موجود
- عدم انعطاف الگوی ساختار سازمانی در انجام مشارکتی فعالیت های گروهی درون سازمانی
- عدم نگرش سیستماتیک به شهر
- کاربرد اصول مدیریتی سنتی
- فقدان نگرش کلی به مسائل و موضوعات شهری ( کمانرودی، ۱۳۸۴ : ۵۹ ).

#### ۴- نتیجه گیری :

مدیریت شهری یکی از مسائلی است که همواره ذهن کارشناسان را به خود مشغول داشته است؛ چرا که همراه با پویایی تحولات شهری و مسائل وابسته به آن، چگونگی نگرش به شهر و مسائل مدیریتی آن تغییر می کند. یکی از اصولی که به درک بهتر این شرایط کمک می کند، اصل مدیریت یکپارچه شهری است. مدیریت یکپارچه شهری نظریه نوینی است که برای حل معضلات کنونی مدیریت شهری مطرح شده است. این رویکرد به دنبال کاهش دادن ناهماهنگی ها و تفرقه های موجود در نظام های مدیریت شهری است. از آن جایی که در ایران مدیریت شهری در اختیار سازمان ها و ارگان های مختلفی است مسائل و مشکلات شهرها روز به روز پیچیده تر و حادث تر می شود، چرا که هر سازمان یا ازگانی با توجه به امکانات، محدوده وظایف و اختیارات خود به مسائل شهری نگاه می کند و دید جامع و یکپارچه ای وجود ندارد.

## منابع :

- براتی، ن و ثامنی، ا و سلیمان نژاد، م ، (۱۳۹۰)، ضرورت ها و الزامات مدیریت یکپارچه در کلانشهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- برک پور، ن و اسدی، ا، (۱۳۹۰)، مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ دوم، تهران
- پورموسوی، م و رحیم زاده، م، (۱۳۸۷)، مروری بر سی سال مدیریت شهری تهران، ماهنامه شهرداری ها، سال نهم، شماره ۹۲
- ترابی، ع، (۱۳۸۳)، مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب، شهرداری ها ، سال ششم، شماره ۶۹
- تقوایی، ع و تاجدار، ر، (۱۳۸۸)، درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳
- تولایی، م، (۱۳۸۹)، مدیریت شهری؛ مفاهیم، ابعاد و وظایف، ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی شورا، شماره ۵۶
- حاجیانی، ا و سیفانی، م، (۱۳۹۱)، شوراها و نسبت آن با مدیریت شهری، همایش هم اندیشی شوراها و مدیریت محلی در افق چشم انداز
- حافظ نیا، ع، (۱۳۸۵)، مبانی مدیریت شهری در ایران، فصلنامه آبادی، شماره ۵۱
- دبیر، ع، (۱۳۹۰)، طراحی مدل استقرار مدیریت یکپارچه شهری با رویکرد قابلیت- مورد مطالعه شهر تهران، رساله دکتری ، دانشگاه شهید بهشتی
- رضویان، م، (۱۳۸۹)، مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو، چاپ دوم، تهران
- سعیدنیا، ا، (۱۳۸۳)، کتاب سبز شهرداری ها-جلد یازدهم- مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، چاپ سوم، تهران
- سعیدی، ع (سرپرست)، (۱۳۸۷)، دانشنامه مدیریت شهری، انتشارات موسسه فرهنگی- اطلاع رسانی و مطبوعاتی، چاپ اول
- شماعی، ع، (۱۳۸۹)، رویکردها و نگرش های جدید در مدیریت شهری، ماهنامه شوراها، شماره ۵۵
- صرافی، م، (۱۳۸۸)، مدیریت یکپارچه شهری در خدمت توسعه اجتماعات محلی، ماهنامه منظر، دوره اول، شماره ۳

- طرح تدوین و تبیین برنامه استراتژیک و ترسیم الگوی ساختار سازمانی شهرداری کشور، (۱۳۸۴)
- طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن « مرحله اول »، (۱۳۷۵)، گزارش شماره ۵، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران
- کاظمیان، غ، (۱۳۸۸)، اعتقاد به مدیریت یکپارچه نیازمند اعتماد متقابل است، مجله منظر، شماره ۳
- کامارودی، موسی، (۱۳۸۴)، موانع ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۳ و ۱۴
- مجابی، م و محمدی، م و فخر، ب و پناهی، م و پور موسوی، م و نوازی، آ، (۱۳۹۰)، مسئله یابی در مدیریت شهری؛ تحلیلی بر مسائل مناطق شهر تهران مبتنی بر اسناد برنامه های راهبردی مناطق، دانش شهر، شماره ۳۳، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، معاونت علم و فناوری
- محمدی، ک، (۱۳۸۷)، مدیریت شهری یکپارچه و اهداف ایران ۱۴۰۰، ماهنامه شهرداری ها، سال نهم
- ناظمی، ش و حسینی، ز و صنیعی، ع، (۱۳۸۸)، بررسی امکان سنجی استقرار مدیریت یکپارچه شهری در ایران - مورد مطالعه شهر مشهد، مشهد پژوهی - مجله تخصصی مدیریت شهری، دو فصلنامه شورای اسلامی شهر مشهد، سال اول، شماره ۲
- نظریان، ا و رحیمی، م، (۱۳۹۱)، تحلیل الگوی مدیریتی شهر تهران، پژوهش های جغرافیایی انسانی، شماره ۱۱
- نوبری، ن و رحیمی، م، (۱۳۸۹)، حکمرانی خوب شهری؛ یک ضرورت تردید ناپذیر، دانش شهر شماره ۱۱، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- هاشمی، مو رفیعیان، م و حسین پور، ع، (۱۳۹۰)، سیاست های مدیریت شهری در کشورهای مختلف، تهران، انتشارات طحان، چاپ اول

- Davey, J.Kenneth (1993), " Elements of Urban Managment". UNDP/ UNCHS/World Bank, Urban Management Programme

- Van Dijk, M. Pieter (2006), Managing Cities in Developing Countries : The Theory and Practice of Urban Management, Edward Elgar Publishing

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله